

قاب اقتدار

ره نگاران/ این تصویر تاریخی و سیاسی پیام روشنی دارد، در دنیای پرآشوب امروز، ایران با اتکا به امنیت پایدار داخلی، توان مدیریتی و نقش‌آفرینی منطقه‌ای، نقطه اتکا و مرجع اعتماد کشورهای خزر است.

به گزارش [پایگاه اطلاع رسانی ره نگاران](#)؛ بهرام قربانپور فعال رسانه‌ای در یادداشتی نوشت؛ تقریباً دو سه ماه می‌شود ماجرای اجلاسیه استانداران حاشیه خزر بر سر زبان‌ها افتاده و هر چه جلوتر می‌رفتیم این ماجرا رنگ واقعیت به خود می‌گرفت.

ایران و گیلان در حالی میزبان یکی از رویدادهای مهم سیاسی تاریخ، که از آن به دیپلماسی دریایی نیز یاد می‌کنند، است، که کشور در دو سه ماه اخیر درگیر ۱۲ روز جنگ رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه ایران بود و حتی پرتابه‌های موشکی دشمن به خاک گیلان هم اصابت کرد و معراج شهدای آستانه اشرفیه را خلق کرد.

به اجلاسیه خزر برگردیم، جایی که در آن مقامات عالی رفته پنج کشور همسایه خزر، سفرا، وزرا و استانداران ساحلی کشور حضور یافتند، استقلال مقامات کشورها از این رویداد مهم، بر اهمیت آن افزود.

اجلاسیه استانداران حاشیه دریای خزر در گیلان، فقط یک نشست رسمی نبود، نمایش اقتدار آرام، اعتمادساز و آینده‌نگر جمهوری اسلامی ایران در مهم‌ترین پهنه ژئوپلیتیک شمال کشور بود. تصویر دسته‌جمعی استانداران و مقامات پنج کشور، نمادی از جایگاه ممتاز ایران در معماری امنیت و همکاری‌های منطقه‌ای است، که از آن می‌توان به قاب اقتدار و امید ایران و گیلان یاد کرد، جایگاهی که بر پایه تجربه تاریخی، قدرت نرم، ظرفیت اقتصادی و ثبات سیاسی کشور شکل گرفته است.

ایران سال‌هاست که با حفظ امنیت مسیرهای ترانزیتی، مدیریت هوشمندانه سواحل جنوبی خزر و پیگیری سیاست همسایگی فعال، به یکی از ستون‌های توازن و آرامش در منطقه تبدیل شده است. برگزاری چنین اجلاس مهمی در گیلان، پیامی آشکار برای افکار عمومی منطقه دارد، ایران نه تنها امن‌ترین ساحل جنوبی خزر است، بلکه توان و اراده رهبری روندهای سازنده منطقه‌ای را نیز دارد.

این نشست، فصل جدیدی از گفت‌وگو و همکاری را گشود، از توسعه مسیرهای تجاری و حمل‌ونقل گرفته تا حفاظت از محیط‌زیست و جذب سرمایه‌گذاری مشترک.

کشورهای حاضر با قرار گرفتن شانه‌به‌شانه یکدیگر، به‌ویژه زیر چتر ابتکار ایران، نشان دادند که می‌توان با اتکا به همگرایی، آینده‌ای باثبات‌تر برای مردم منطقه ساخت.

این تصویر تاریخی و سیاسی پیام روشنی دارد، در دنیای پرآشوب امروز، ایران با اتکا به امنیت پایدار داخلی، توان مدیریتی و نقش‌آفرینی منطقه‌ای، نقطه اتکا و مرجع اعتماد کشورهای خزر است. اجلاس به گیلان نه فقط نماد همکاری، بلکه نشانه قدرت آرام ایران است، قدرتی که بدون تهدید، با گفت‌وگو و تعامل، مسیر توسعه و همزیستی را برای همه همسایگان هموار می‌کند.

فرهنگ‌سازی تا پیاده‌سازی نهج‌البلاغه؛ کتابی که بوی زندگی می‌دهد

ره‌نگاران/ نهج‌البلاغه نه فقط یک متن تاریخی، بلکه راهنمایی زنده و کاربردی برای انسان معاصر است، که برای فرهنگ‌سازی آن در جامعه نیازمند پیاده‌سازی رفتار عملی آن هستیم.

به گزارش [بایگ‌گاه اطلاع‌رسانی ره‌نگاران-بهرام قربانپور](#): نهج‌البلاغه را می‌توان آیینی تمام‌نما از اندیشه، ایمان و شخصیت امام علی(ع) دانست؛ مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها که قرن‌هاست تشنگان حقیقت و عدالت را سیراب می‌کند. این کتاب تنها یک اثر دینی یا تاریخی نیست، بلکه می‌توان آن را «کتاب زندگی» نامید؛ زیرا در هر صفحه‌اش درس برای خودسازی فردی، راهی برای تعالی اخلاق و نسخه‌ای برای سامان‌دهی جامعه وجود دارد.

اهمیت انس با نهج‌البلاغه زمانی بیشتر آشکار می‌شود که شرایط امروز را در نظر بگیریم. جامعه ما درگیر چالش‌هایی نظیر ضعف در اخلاق

عمومی، فشارهای اقتصادی، گسترش فردگرایی و کمرنگ شدن ارزشهای معنوی است. در چنین فضایی، بازگشت به سرچشمه‌های ناب معرفت می‌تواند راهی برای بازسازی هویت فردی و اجتماعی باشد. نهج‌البلاغه در این میان جایگاهی ویژه دارد؛ زیرا سخنان امام علی(ع) از یک سو انسان را به پاکی درون، تقوا، صداقت و صبر دعوت می‌کند و از سوی دیگر، در سطح اجتماعی عدالت‌خواهی، مسئولیت‌پذیری و مبارزه با فساد را به‌عنوان اصل‌های بنیادین مطرح می‌سازد.

انس با این کتاب تنها به معنای خواندن چند خطبه یا جمله کوتاه نیست؛ بلکه باید آن را به یک سیره عملی و یک سبک زندگی تبدیل کرد. همان‌گونه که بسیاری از اندیشمندان و متفکران جهان نیز اعتراف کرده‌اند، نهج‌البلاغه فراتر از یک متن مذهبی است و حاوی دستورالعمل‌هایی جاودانه برای اداره جامعه و تعالی انسان است. اگر در زندگی روزمره، خانواده، روابط اجتماعی و حتی در عرصه مدیریت کشور به آموزه‌های امام علی(ع) توجه شود، بسیاری از بحران‌های اخلاقی و اجتماعی کاهش خواهد یافت.

از سوی دیگر، نسل جوان بیش از دیگران نیازمند ارتباط عمیق با نهج‌البلاغه است. جوانی دوران شور، جست‌وجو و حقیقت‌خواهی است و اگر این نسل به‌درستی با کلمات امام علی(ع) آشنا شود، سرمایه‌ای بزرگ برای آینده جامعه خواهد بود. بنابراین، وظیفه نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای آن است که زمینه انس عمومی با این کتاب گرانسنگ را فراهم کنند و با زبان روز و ابزارهای خلاقانه، پیام‌های جاودانه نهج‌البلاغه را به گوش همگان برسانند.

با توجه به این ضرورت‌ها، برای واکاوی بیشتر اهمیت مطالعه و انس با نهج‌البلاغه و بررسی راهکارهای عملی در این زمینه، گفتگویی با «حمید دولت‌پناه» کارشناس فرهنگی و پژوهشگر حوزه اندیشه اسلامی انجام داده‌ایم که با هم می‌خوانیم.

در ابتدای گفتگو بفرمایید جایگاه نهج‌البلاغه در خودسازی فردی چیست و چرا باید به آن رجوع کرد؟

نهج‌البلاغه مکتبی کامل برای انسان‌سازی است. امام علی(ع) در خطبه‌ها و حکمت‌های این کتاب، انسان را به تقوا، صداقت، زهد، صبر و پرهیز از دلبستگی‌های دنیا دعوت می‌کند. مطالعه مداوم این معارف، فرد را از درون متحول می‌سازد و به او آرامش و جهت‌دهی معنوی می‌بخشد. به بیان دیگر، انس با نهج‌البلاغه همانند یک مدرسه اخلاق است که شاگردانش را برای رسیدن به قله‌های معنویت پرورش می‌دهد.

آموزه‌های نهج‌البلاغه چگونه می‌تواند در سبک زندگی امروز کاربردی

شود؟

بسیاری از مشکلات ما ریشه در غفلت از اخلاق، انصاف و عدالت دارد. در نهج‌البلاغه راهکارهای روشنی برای کنترل خشم، پرهیز از اسراف، رعایت حقوق دیگران و داشتن روحیه امید و تلاش بیان شده است. اگر این آموزه‌ها در خانواده، محیط کار و روابط اجتماعی جاری شود، بسیاری از ناهنجاری‌ها و اختلافات کاهش خواهد یافت.

بُعد اجتماعی و حکومتی نهج‌البلاغه چه جایگاهی دارد؟

امام علی(ع) در نامه‌ها و خطبه‌های خود به صراحت از عدالت اجتماعی، رعایت حقوق مردم و مبارزه با فساد سخن گفته‌اند. نامه معروف ایشان به مالک اشتر نمونه‌ای روشن از یک منشور حکمرانی عادلانه است. جامعه امروز ما نیز می‌تواند از این الگو برای مبارزه با تبعیض و تقویت عدالت بهره‌مند شود.

برای جذب نسل جوان به نهج‌البلاغه چه باید کرد؟

جوانان علاقه‌مند به حقیقت هستند اما زبان انتقال این حقیقت باید متناسب با ذائقه آنان باشد. استفاده از رسانه‌های نوین، تولید آثار هنری، فیلم، تئاتر و حتی اپلیکیشن‌های آموزشی می‌تواند نسل جوان را با معارف نهج‌البلاغه آشنا سازد. همچنین برگزاری جلسات گفت‌وگوی آزاد و پرسش و پاسخ می‌تواند فضای تعامل بیشتری ایجاد کند.

چه راهکارهایی برای ترویج انس عمومی با نهج‌البلاغه پیشنهاد می‌کنید؟

لازم است نهادهای فرهنگی، آموزشوپرورش و رسانه‌ها دست به دست هم دهند. برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، مسابقات کتاب‌خوانی، کلاسهای تفسیر موضوعی و حتی بهره‌گیری از فضای مجازی می‌تواند انس با نهج‌البلاغه را به یک فرهنگ عمومی تبدیل کند. مهم‌تر از همه، مسئولان و نخبگان باید خود الگوی عملی در استفاده از این کتاب باشند تا مردم اثر آن را در زندگی واقعی ببینند.

به نظر می‌رسد؛ نهج‌البلاغه نه فقط یک متن تاریخی، بلکه راهنمایی زنده و کاربردی برای انسان معاصر است؛ راهنمایی که می‌تواند هم فرد را بسازد و هم جامعه را به سمت عدالت و تعالی رهنمون کند.

نهج البلاغه؛ مکتب ما نندگان انسان سازی و جامعه پردازی

ره‌نگاران/ نهج البلاغه تنها کتابی اخلاقی یا سیاسی نیست؛ بلکه می‌توان آن را دایره‌المعارف معرفت انسانی دانست. در این مجموعه گرانسنگ، پیوندی ژرف میان عقل و دل برقرار شده است.

به گزارش [بایگاہ اطلاع‌رسانی ره‌نگاران](#)؛ بهرام قربانپور فعال رسانه‌ای گیلان در یادداشتی نوشت؛ در دنیای پرشتاب امروز که غبار روزمرگی و دغدغه‌های مادی بر ذهن و جان بسیاری از افراد سایه افکنده است، نیاز به بازگشت به سرچشمه‌های ناب معرفت بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. یکی از این چشمه‌های زلال، نهج البلاغه است؛ میراث ماندگار امام علی(ع) که در قالب خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها به ما رسیده و همچون چراغی فروزان، مسیر سعادت فردی و اجتماعی را روشن می‌سازد.

مطالعه و انس با این کتاب ارزشمند، تنها یک عمل عبادی یا فرهنگی ساده نیست، بلکه می‌تواند تحولی عمیق در ساحت‌های مختلف زندگی ایجاد کند. امام علی(ع) در نهج البلاغه، از یکسو انسان را به خودسازی و تهذیب نفس دعوت می‌کند؛ تقوا، صبر، صداقت، توکل و پرهیز از دنیاطلبی محورهای اساسی در کلام آن حضرت است که می‌تواند زمینه‌ساز آرامش درونی و رشد معنوی هر فرد باشد. از سوی دیگر، این کتاب به جامعه نگاهی کلان دارد و اصولی بنیادین در باب عدالت اجتماعی، حقوق مردم، مسئولیت‌پذیری و شیوه صحیح حکومت‌داری ارائه می‌دهد که همچنان برای دنیای امروز تازه و کارآمد است.

نهج البلاغه تنها کتابی اخلاقی یا سیاسی نیست؛ بلکه می‌توان آن را دایره‌المعارف معرفت انسانی دانست. در این مجموعه گرانسنگ، پیوندی ژرف میان عقل و دل برقرار شده است. هر خطبه و نامه، عقلانیتی ژرف و بینشی الهی را با عاطفه‌ای گرم و بیانی فصیح درهم می‌آمیزد. به همین دلیل، انس با نهج البلاغه نه تنها اندیشه را روشن می‌سازد، بلکه روح را نیز جلا می‌دهد و ذوق ادبی انسان را پرورش می‌بخشد.

یکی از مهم‌ترین وظایف جامعه امروز، ایجاد پیوند میان نهج البلاغه و

نسل جوان است. جوانان تشنه حقیقت و معنویت‌اند، اما زبان و قالب انتقال این معارف باید با نیازها و ذائقه فکری آنان هماهنگ شود. بهره‌گیری از رسانه‌ها، هنر، فضای مجازی و حتی شیوه‌های نوین آموزشی می‌تواند این ارتباط را عمیق‌تر سازد. در این میان، مسئولیت نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای دوچندان است تا با برنامه‌های خلاقانه و مداوم، نهج‌البلاغه را از قفسه کتابخانه‌ها به متن زندگی مردم بیاورند.

اما مخلص کلام؛ انس با نهج‌البلاغه تنها یک انتخاب فردی نیست، بلکه ضرورتی اجتماعی است. جامعه‌ای که آموزه‌های امام علی(ع) را در سبک زندگی و شیوه حکمرانی خود جاری کند، به‌سوی عدالت، معنویت و پیشرفت حقیقی گام برمی‌دارد. اگر بخواهیم بر بحران‌های اخلاقی، اجتماعی و حتی سیاسی امروز غلبه کنیم، بازگشت به کلمات نورانی نهج‌البلاغه راهی مطمئن و بی‌بدیل خواهد بود.

قهرمانی تاریخ‌ساز تیم ملی زنگ بیدارباش کشتی گیلان

ره نگاران/ قهرمانی تیم ملی کشتی پس از ۱۲ سال، نه‌تنها موجب احیای غرور و اقتدار ملی در حوزه ورزشی شد؛ بلکه زنگ بیدار باشی برای استان‌های کشتی‌خیزی مثل گیلان هست تا با انگیزه و انرژی دوباره، در این دایره طلایی حرفی برای گفتن داشته باشند.

به گزارش [پایگاه اطلاع‌رسانی ره نگاران-بهرام قربانپور](#): کشتی برای ایرانیان تنها یک ورزش نیست، بلکه میراثی تاریخی، فرهنگی و هویتی است که قرن‌ها با روحیه پهلوانی و غیرت ملی گره خورده است. از گود زورخانه‌ها تا سکوهای جهانی، کشتی همواره نماد ایستادگی، همت و افتخار بوده و هر بار که ملی‌پوشان این رشته به میدان می‌روند، نگاه میلیون‌ها ایرانی به دستان قدرتمند و اراده استوار آنان دوخته می‌شود. قهرمانی تیم ملی کشتی ایران در مسابقات جهانی کرواسی پس از ۱۲ سال، نه‌تنها یک پیروزی ورزشی، بلکه بازگشت به ریشه‌ها و تجدید عهد با تاریخ پرافتخار این سرزمین به شمار می‌رود.

این دستاورد، موجی از غرور و شادی ملی آفرید و بار دیگر نشان داد که کشتی همچنان می‌تواند پرچمدار اقتدار ایران در عرصه ورزش بین‌المللی باشد.

پیروزی اخیر، در عین حال حامل پیام‌های عمیق‌تری است؛ از ضرورت توجه به دانش نوین و برنامه‌ریزی راهبردی گرفته تا اهمیت نهادینه کردن روحیه تیمی و ارزش‌های پهلوانی. این موفقیت به روشنی ثابت کرد که اگر مدیریت علمی، پشتکار ملی‌پوشان و حمایت همه‌جانبه در کنار هم قرار گیرد، کشتی ایران می‌تواند دوباره بر قله‌های جهانی بدرخشد. حالا نگاه‌ها فراتر از مدال‌های طلا و نقره است؛ جامعه ورزشی کشور انتظار دارد این مسیر تازه آغازشده به یک روند پایدار بدل شود و سرمایه‌ای ماندگار برای نسل‌های آینده ایجاد کند.

قهرمانی تیم ملی کشتی ایران پس از ۱۲ سال، بازتابی گسترده در میان جامعه ورزشی کشور داشته و بسیاری از ورزشکاران و کارشناسان آن را نقطه عطفی در تاریخ ورزش ایران می‌دانند.

هیچ هدفی دست‌نیافتنی نیست

فردین عاشوری قهرمان ملی ورزش‌های رزمی رمز موفقیت تیم ملی را تلفیقی از عوامل فنی و روحی دانست و اظهار کرد: به اعتقاد من، تفاوت اصلی این دوره با سال‌های گذشته، همدلی بی‌سابقه‌ای بود که میان کادر فنی، کشتی‌گیران و مدیران ایجاد شد. در گذشته گاهی شاهد ضعف‌هایی در هماهنگی، برنامه‌ریزی و حتی مسائل انگیزشی بودیم، اما این بار مجموعه تیم با برنامه‌ای دقیق، تمرکز بالا و روحیه جنگندگی به میدان آمدند. نتیجه آن هم چیزی جز قهرمانی مقتدرانه نبود. وی با اشاره به پیام این موفقیت برای نوجوانان و علاقه‌مندان به کشتی در استان‌های مختلف کشور، افزود: این قهرمانی نشان داد که هیچ هدفی دست‌نیافتنی نیست. وقتی تیم ملی پس از ۱۲ سال دوباره به اوج می‌رسد، برای نسل جوان انگیزه‌ای بزرگ ایجاد می‌شود. نوجوانان امروز باور می‌کنند که با تلاش، پشتکار و ممارست می‌توانند روزی به تیم ملی راه پیدا کرده و نام ایران را در عرصه جهانی پرآوازه کنند. این پیام معنوی بسیار مهم است و می‌تواند آینده کشتی ایران را تضمین کند.



قهرمان ملی ورزشهای رزمی به نقش مربیان باشگاهی در بهره‌گیری از این فرصت اشاره کرد و گفت: بدون تردید، موج استقبال از کشتی در سالن‌های ورزشی افزایش خواهد یافت. مربیان باید با دقت و برنامه‌ریزی، این شور و اشتیاق را به‌درستی مدیریت کنند. اگر مربیان از همین امروز به شناسایی استعدادها و پرورش اصولی آنها بپردازند، این قهرمانی نه‌تنها به یک خاطره تاریخی، بلکه به نقطه آغاز پرورش نسل جدیدی از قهرمانان تبدیل خواهد شد.

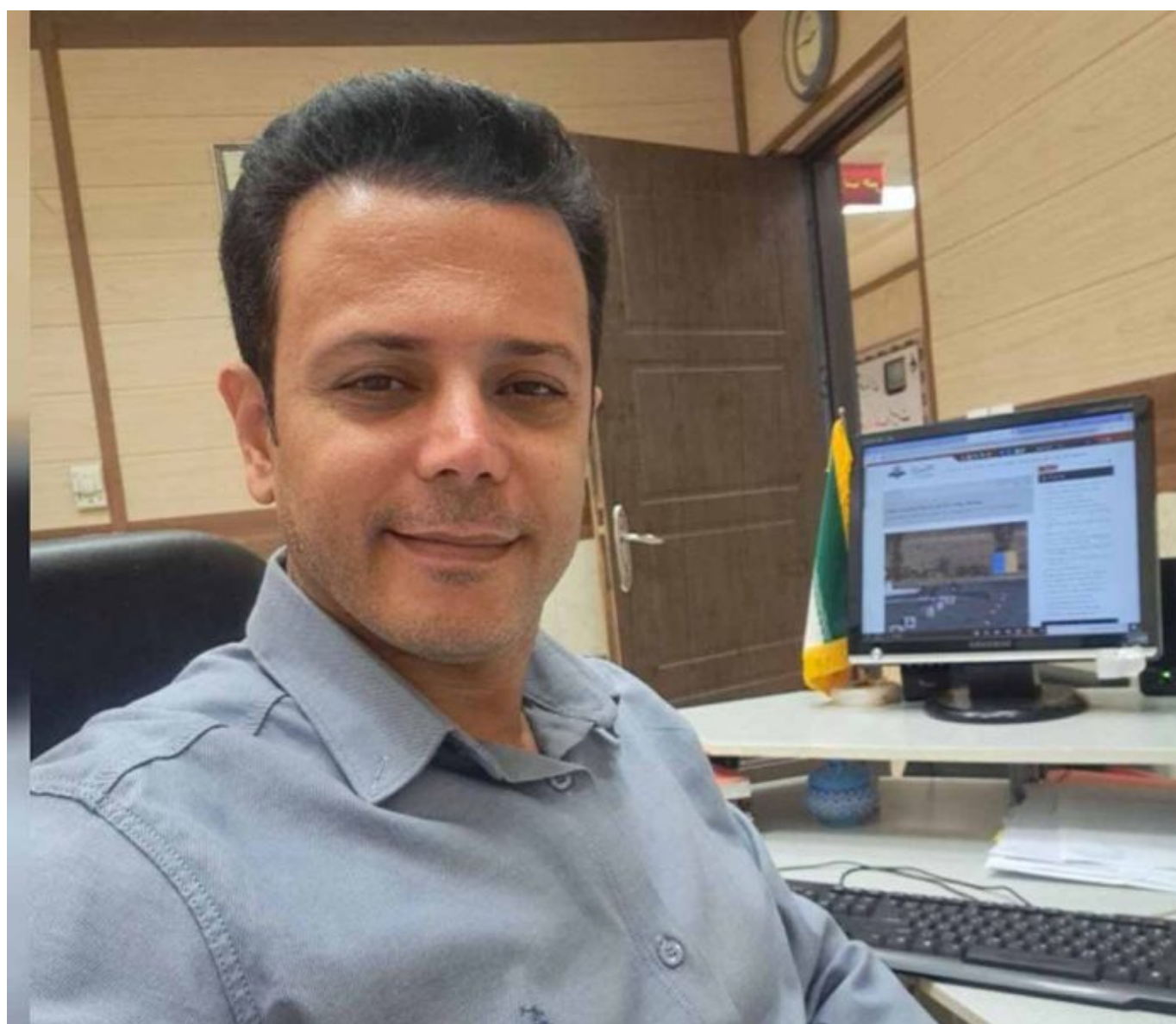
عاشوری با اشاره به تأثیر این موفقیت بر جایگاه جهانی کشتی ایران خاطرنشان کرد: این دستاورد بزرگ بار دیگر ثابت کرد که ایران همچنان یکی از قدرتهای اصلی کشتی جهان است. برخی رقبا در سالهای اخیر گمان می‌کردند که کشتی ایران رو به افول گذاشته، اما این قهرمانی نشان داد که توانایی و ظرفیتهای کشتی‌گیران ایرانی همچنان بی‌نظیر است. این موفقیت می‌تواند ضمن تقویت اعتماد به نفس ملی، جایگاه بین‌المللی ورزش ایران را نیز ارتقا دهد و مسیر را برای موفقیت‌های بعدی هموار سازد.

به گفته وی، قهرمانی اخیر تنها یک دستاورد ورزشی نیست، بلکه حامل پیام اتحاد، تلاش جمعی و امید برای آینده است؛ پیامی که می‌تواند الگویی برای تمامی رشته‌های ورزشی کشور باشد.

قهرمانی تیم ملی کشتی ایران؛ بازگشت غرور ملی و نقشه راه آینده

عطا خالقیپرست، کارشناس و کنشگر حوزه ورزش، با اشاره به قهرمانی تاریخی تیم ملی کشتی آزاد ایران در رقابت‌های جهانی کرواسی پس از ۱۲ سال، اظهار کرد: این پیروزی یک حادثه تصادفی نبود، بلکه نتیجه تحول حساب‌شده در ابعاد فنی و راهبردی به شمار می‌رود.

تیم ملی کشتی نشان داد که با به‌روزرسانی دانش فنی، تنوع‌بخشی به فنون، برنامه‌ریزی استراتژیک، آنالیز دقیق حریفان، تقویت روحیه تیمی، جنگندگی و رهبری هوشمندانه می‌توان دوباره کشتی ایران را به جایگاه واقعی خود در سطح جهان بازگرداند.



وی افزود: مدال‌های طلا و نقره‌ای که ملی‌پوشان کسب کردند، تنها یک عنوان قهرمانی ساده نیست، بلکه اعتماد به نفس تازه‌ای برای جامعه کشتی و حتی جامعه ایران به همراه داشته و به مثابه نقشه راهی برای

آینده ورزش ملی کشور است. اکنون بزرگ‌ترین چالش پیش رو، تداوم این روند و نهادینه‌سازی سیستم موفقیت در تمام سطوح کشتی، از رده‌های پایه گرفته تا تیم‌های بزرگسالان، خواهد بود.

قهرمانی تیم ملی یک سرمایه اجتماعی است

این کارشناس و کنشگر حوزه ورزش با تأکید بر نقش چندوجهی این موفقیت، بیان کرد: قهرمانی تیم ملی در کرواسی مانند یک کاتالیزور قدرتمند عمل می‌کند. در بعد روانی، غرور از دست‌رفته را به جامعه بازمی‌گرداند؛ در بعد فرهنگی، پیوند تاریخی مردم ایران با کشتی را تجدید می‌کند؛ در بعد رسانه‌ای بار دیگر توجه افکار عمومی را به سمت موفقیت و تلاش جلب می‌نماید؛ و در بعد ساختاری، انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری بیشتر در بدنه کشتی فراهم می‌آورد. در عرصه بین‌المللی نیز این دستاورد بار دیگر پرچم ایران را بر فراز سکوهای جهانی به اهتزاز درآورد و نام کشورمان را در سطح جهانی پررنگ ساخت.

خالق‌پرست قهرمانی در کشتی را فراتر از یک مدال ورزشی دانست و بیان کرد: این موفقیت‌ها یک سرمایه اجتماعی و فرهنگی بزرگ هستند. چنین دستاوردهایی جامعه را در لحظه‌های خاص متحد می‌سازد، روحیه جمعی را افزایش می‌دهد، ارزش‌های اصیل اخلاقی و پهلوانی را زنده نگه می‌دارد و به نسل آینده امید و انگیزه می‌بخشد. امروز می‌توان گفت که قهرمانی تیم ملی کشتی آزاد یکی از ملموس‌ترین و خالص‌ترین منابع شادی و سرافرازی ملی برای مردم ایران است.

وی با اشاره به اهمیت توجه به رده‌های پایه در رشته‌های ورزشی افزود: کاملاً منطقی و محتمل است که چنین موفقیت بزرگی، نهادهای مختلف اعم از دولتی و خصوصی را به سرمایه‌گذاری در رده‌های سنی پایین و جوانان ترغیب کند. توجه به این نسل، سرمایه‌ای است که آینده کشتی ایران را تضمین خواهد کرد. البته این امر نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، مدیریت اصولی و هزینه‌کرد صحیح منابع در مسیر توسعه پایه است تا بتوان شاهد تداوم موفقیت‌ها و شکوفایی استعدادها در سال‌های آینده بود.

این کارشناس و کنشگر ورزشی با بیان اینکه قهرمانی اخیر تنها آغاز یک مسیر تازه برای کشتی ایران است، خاطرنشان کرد: این دستاورد نشان داد که اگر نگاه علمی، سیستماتیک و راهبردی بر ورزش حاکم شود، می‌توان بار دیگر کشتی ایران را به جایگاه اول جهانی رساند و میراث پهلوانی را به نسل‌های آینده منتقل کرد.

قهرمانی تیم ملی کشتی؛ فرصتی طلایی برای توسعه و احیای کشتی در گیلان

مسعود اسلامی، رئیس هیأت کشتی گیلان ضمن تبریک به مناسبت قهرمانی تیم ملی کشتی آزاد ایران، این موفقیت تاریخی را نتیجه‌ای از مدیریت دقیق و هدفمند فدراسیون کشتی دانست و اظهار کرد: پس از ۱۲ سال تیم ملی دوباره به عنوان قهرمان جهان معرفی شد و این موفقیت نه تنها موجب افتخار ملی شد، بلکه انگیزه‌ای تازه برای ورزشکاران و مسئولان استان‌ها ایجاد کرد.

رئیس هیأت کشتی گیلان با اشاره به نقش مدیریت جناب آقای دکتر دبیر در این موفقیت، بیان کرد: همدلی و هم‌زبانی میان کشتی‌گیران و مدیریت بهینه امکانات ورزشی در سطح کشور، اصلی‌ترین عامل این پیروزی‌ها بود. ایجاد رقابت سالم در سراسر کشور و فراهم‌کردن زیرساخت‌های مناسب در تهران، موجب شد استعدادهای واقعی کشتی ایران شکوفا شوند و این موفقیت برای کشورمان به ارمغان بیاید.



اسلامی با بیان اینکه این موفقیت، پیامدهای مهمی برای استانهای شمالی کشور از جمله گیلان دارد، گفت: با توجه به ظرفیتهای بالای استانهای شمالی، به ویژه مازندران و گیلان، این موفقیت انگیزه‌ای بسیار بزرگ برای نوجوانان و جوانان ایجاد کرده است. شاهد بودیم که تیم ملی با ترکیبی از جوانان توانست در عرصه جهانی بدرخشد و این نشان‌دهنده فرصت‌های بالقوه‌ای است که در استانهای شمالی برای پرورش استعدادهای آینده وجود دارد.

وی با اشاره به وضعیت کشتی در استان گیلان افزود: گیلان در رده‌های نونهالان، نوجوانان و جوانان قهرمانان خوبی دارد و حتی در مسابقات آموزشگاهی کشور و جهان موفقیت‌های قابل توجهی به دست آورده است. با این حال در رده بزرگسالان نتوانستیم تداوم قهرمانی داشته باشیم، هرچند کشتی‌گیرانی مانند امیررضا معصومی و مهدی احدی در سطح آسیا و کشور موفقیت‌هایی کسب کرده‌اند. این نشان می‌دهد که برای

ایجاد تداوم در موفقیت‌ها نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت و زیرساخت‌های مناسب هستیم.

ضرورت توجه ویژه مسئولان به کشتی

رئیس هیأت کشتی گیلان از برنامه‌های هیئت برای ارتقای زیرساخت‌ها و توسعه ورزش کشتی خبر داد و اضافه کرد: خانه کشتی با هنر رشت در حال راه‌اندازی است و با حمایت استاندار و نمایندگان استان، تلاش داریم این مجموعه به صورت فعال احیا شود.

به گفته اسلامی، هدف هیئت کشتی گیلان، افزایش انگیزه و جذب خانواده کشتی استان است که تاکنون حدود ۷۷۰۰ نفر را شامل می‌شود و توسعه ورزش کشتی را از رده‌های پایه تا بزرگسالان دنبال خواهیم کرد.

وی با اشاره به اقدامات انجام شده در سطح شهرستان‌ها، افزود: در سراسر استان برنامه‌های آموزشی و مسابقات در رده‌های نونهالان، نوجوانان و جوانان فعال است. برخلاف گذشته که تمرکز صرف بر باشگاه‌ها بود، اکنون منتخبین هر شهرستان در رقابت‌های استانی شرکت می‌کنند تا رقابت سالم‌تر و انگیزه‌بخش‌تر ایجاد شود. این کار باعث می‌شود استعدادها واقعی کشف شده و برای تیم‌های ملی آینده آماده شوند.

رئیس هیأت کشتی گیلان درباره مسئولیت مدیران ورزشی استان در پی قهرمانی تیم ملی، بیان کرد: موفقیت‌های تیم ملی وظیفه مسئولان استانی را سنگین‌تر می‌کند. استان‌های همسایه مانند مازندران با حمایت جدی مسئولان اجرایی، رقابت و سرمایه‌گذاری در کشتی را توسعه داده‌اند، اما در گیلان این اتفاق کمتر رخ داده است. اکنون تلاش ما این است که مسئولین استانی به طور فعال درگیر برنامه‌های کشتی شوند تا استان بتواند با ظرفیت‌های واقعی خود در سطح ملی رقابت کند.

اسلامی با اشاره به برنامه‌های هیئت کشتی برای توسعه کشتی در مدارس اضافه کرد: ما به دنبال احیای ورزش آموزشگاهی هستیم که مدت‌ها در استان گیلان مغفول مانده بود. با همکاری مدیرکل آموزش و پرورش استان برنامه‌ریزی شده است تا جلسات آموزشی مشترک در مدارس برگزار شود و مسابقات آموزشگاهی به صورت منظم احیا گردد. هدف ما این است که علاقه‌مندی نوجوانان به کشتی از سنین پایه شکل گیرد و این استعدادها در آینده به تیم‌های ملی بزرگسالان منتقل شود.

وی با ابراز امیدواری از استمرار این برنامه‌ها افزود: با حمایت

مسئولان و برنامه‌ریزی صحیح، امیدواریم نتایج پررنگی برای استان عزیزمان به دست آید و این موفقیت‌ها در سطح کشور نیز استمرار پیدا کند. امیدواریم انگیزه ایجاد شده میان خانواده کشتی استان و جامعه ورزشی، زمینه‌ساز تربیت قهرمانان آینده باشد.



«انرژی پاک» چشم به اعتبارات دوخته است؛ سهم تقریباً «هیچ» گیلان از انرژی خورشیدی

ره‌نگاران/ آنطور که داده‌های آماری روایت می‌کند، گیلان در بخش انرژی تجدیدپذیر و نو از جمله خورشیدی، جایگاه مناسبی در کشور ندارد و در بخش اداری پنج دستگاه و در بخش خانگی نیز ۱۲ خانوار مجهز به سامانه پنل خورشیدی شدند و سهم تولید برق استان از انرژی خورشیدی فقط ۶۳۰ کیلووات است.

به گزارش [بایگاه اطلاع‌رسانی ره‌نگاران](#) - **بهرام قربا نیپور**: در سال‌های

اخیر، اهمیت انرژی‌های نو و تجدیدپذیر در سطح جهان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. فشارهای ناشی از افزایش مصرف انرژی، محدودیت منابع فسیلی و نگرانی‌های زیست‌محیطی، ضرورت حرکت به سمت منابع انرژی پاک و پایدار را به یک اولویت ملی و منطقه‌ای تبدیل کرده است. در این میان، انرژی خورشیدی به عنوان یکی از قابل دسترس‌ترین و مقرون‌به‌صرفه‌ترین منابع تجدیدپذیر، نقش بسزایی در تأمین انرژی پاک و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی ایفا می‌کند. بهره‌گیری از این منبع طبیعی نه تنها موجب کاهش آلاینده‌گی و حفاظت از محیط‌زیست می‌شود، بلکه با ایجاد فرصت‌های اقتصادی، می‌تواند به توسعه مناطق مختلف کشور کمک کند.

استان گیلان، با وجود محدودیت‌های اقلیمی و جغرافیایی، به دلیل پتانسیل نسبی در برخی مناطق خاص مانند لوشان و ارتفاعات جنوبی، می‌تواند در مسیر بهره‌برداری از انرژی خورشیدی نقش مؤثری ایفا کند. این امر به ویژه در شرایطی اهمیت دارد که استان با چالش‌های ناترازی انرژی مواجه است؛ ناترازی که در برخی ساعات روز یا فصل‌ها موجب کمبود تولید و فشار بر شبکه برق می‌شود. توسعه زیرساخت‌های نیروگاه‌های خورشیدی و افزایش ظرفیت تولید برق از این منابع می‌تواند بخشی از این ناترازی را جبران کند و سهم انرژی پاک در سبد مصرفی استان را افزایش دهد.

اقتصاد سبز با خورشید

اما موفقیت در این مسیر، تنها به سرمایه‌گذاری دولتی محدود نمی‌شود؛ مشارکت مردم و بخش خصوصی، به ویژه در نصب سامانه‌های خورشیدی خانگی و تجاری، یک ضرورت اساسی است. هر خانوار، هر اداره و هر واحد صنعتی می‌تواند با نصب پنل‌های خورشیدی، نه تنها در کاهش فشار بر شبکه برق نقش داشته باشد، بلکه از این طریق به تولید درآمد و ایجاد اشتغال نیز کمک کند. علاوه بر این، مشارکت اقشار کم‌درآمد از طریق سامانه‌های حمایتی و پروژه‌های مشترک با نهادهایی مانند کمیته امداد و بهزیستی، می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد منابع درآمدی پایدار برای این خانواده‌ها باشد و در عین حال سهم استان در تولید انرژی پاک را افزایش دهد.

از این رو، توسعه انرژی خورشیدی در گیلان به عنوان یک اولویت راهبردی مطرح است؛ اولویتی که ترکیبی از سرمایه‌گذاری هوشمندانه، توسعه زیرساخت‌های مناسب و همراهی گسترده مردم را می‌طلبد. تنها با هماهنگی بین دولت، بخش خصوصی و جامعه محلی می‌توان ظرفیت‌های بالقوه انرژی خورشیدی استان را به حداکثر رساند و ضمن کاهش

وابستگی به منابع غیرپایدار، مسیر حرکت به سوی اقتصاد سبز و انرژی پاک را هموار کرد.

سهم ۶۳۰ کیلوواتی گیلان در انرژی خورشیدی

علی‌اکبر جوهری، مدیر دفتر بازار برق گیلان در گفتگو با خبرنگار پایگاه خبری «ره‌نگاران»، به بررسی وضعیت تولید برق از منابع خورشیدی در استان پرداخت و با اشاره به محدودیت‌های اقلیمی و جغرافیایی استان، اظهار کرد: شرایط گیلان به گونه‌ای است که در مقایسه با استان‌های خشک و آفتاب‌گیر، امکان تولید برق خورشیدی گسترده وجود ندارد. عمده استان پوشیده از جنگل‌ها و مناطق جلگه‌ای است و میزان تابش خورشید نسبت به استان‌های کویری کمتر است. با این حال، مناطقی مانند لوشان و برخی ییلاقات ارتفاعات جنوبی استان به دلیل تابش مناسب و هوای خنک، راندمان بالایی برای نصب پنل‌های خورشیدی دارند.

وی با بیان اینکه در حال حاضر ظرفیت نصب شده نیروگاه‌های خورشیدی در استان حدود ۶۳۰ کیلووات است، افزود: این ظرفیت محدود عمدتاً مربوط به ادارات دولتی، بخش محدودی از خانوارهای تحت پوشش نهادهای حمایتی و بخشی از پروژه‌های بخش خصوصی است. به دلیل شرایط اقلیمی و کمبود فضاهای مناسب، هنوز انرژی خورشیدی در گیلان جایگاه توسعه گسترده پیدا نکرده است.

مدیر دفتر بازار برق گیلان با اشاره به نقش دستگاه‌های اجرایی در توسعه انرژی خورشیدی تصریح کرد: بر اساس ماده ۵ قانون خدمات کشوری، دستگاه‌های دولتی موظف هستند طی چهار سال، ۲۰ درصد از مصرف انرژی خود را از منابع تجدیدپذیر تأمین کنند. به این منظور، سال گذشته سال دوم این برنامه است و هر سال ۵ درصد از انرژی مصرفی باید از طریق منابع تجدیدپذیر، به ویژه خورشیدی، تأمین شود. آن‌طور که جوهری گفته؛ در حال حاضر، تعدادی از ادارات دولتی مانند استانداری، اداره کل نوسازی مدارس، دیوان محاسبات، وزارت راه و جهاد کشاورزی، اداره اقتصاد و دارایی و برق منطقه‌ای اقدام به نصب سامانه‌های خورشیدی کرده‌اند.

ظرفیت این سامانه‌ها بین ۵ تا ۱۰۵ کیلووات متغیر است و بر اساس بودجه‌ای که از سازمان برنامه و بودجه اختصاص یافته، دستگاه‌ها می‌توانند ۲۰ درصد از انرژی مورد نیاز خود را تأمین کنند. وی با اشاره به میزان اعتبارات تخصیص یافته به استان برای تجهیز و

توسعه انرژی خورشیدی افزود؛ برای اجرای این برنامه، حدود ۲۳ میلیارد تومان بودجه به هفت تا ۹ دستگاه دولتی استان اختصاص یافته تا اقدامات لازم برای تأمین ۲۰ درصد انرژی از منابع تجدیدپذیر صورت گیرد. برخی از ادارات تا کنون سامانه‌های ۵ تا ۶۰ کیلوواتی نصب کرده‌اند و در حال بهره‌برداری هستند.

به گفته وی، این اقدامات علاوه بر کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی و کاهش آلاینده‌گی، می‌تواند الگویی برای سایر بخش‌های استان باشد و مشارکت مردم و بخش خصوصی را نیز تشویق کند.

گام کند صنایع در بهره‌گیری از انرژی نو

مدیر دفتر بازار برق گیلان با تأکید بر ضرورت مشارکت بخش خصوصی در توسعه انرژی خورشیدی اضافه کرد: صنایع استان هنوز اقدامات گسترده‌ای در زمینه انرژی خورشیدی انجام نداده‌اند. با این حال، شهرداری توتکابن اخیراً یک پروژه ۵ کیلوواتی به بهره‌برداری رسانده و سایر بخش‌های خصوصی نیز به تدریج وارد این عرصه خواهند شد. ما با حدود ۵۰ دستگاه ادارات کل و بانک‌ها در سطح استان مکاتبه کرده‌ایم تا نسبت به نصب پنل‌های خورشیدی اقدام کنند که از این تعداد فقط ۵ دستگاه اجرایی کردند و تعدادی هم در شرف اجرا هستند.

آن‌طور که جوهری گفته؛ طبق قانون، صنعتیان موظف هستند یک درصد از مصرف انرژی خود را از منابع سبز تأمین کنند؛ در صورت انجام این اقدام، ظرفیت تولید برق استان به میزان قابل توجهی افزایش خواهد یافت.

وی با اشاره به فعالیت نهادهای حمایتی و مددجویان تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی افزود: در حوزه خانگی و روستایی، به ویژه برای خانوارهای کم‌درآمد، برنامه‌های ویژه‌ای طراحی شده است. از طریق تفاهم‌نامه با بانک رسالت، مددجویان کمیته امداد و بهزیستی می‌توانند سامانه‌های خورشیدی نصب کنند. تاکنون حدود ۱۲ خانوار در استان از این امکان بهره‌مند شده‌اند و شش واحد دیگر نیز در شرف بهره‌برداری هستند.

هر پنل خورشیدی ۴۵ میلیون تومان آب می‌خورد

مدیر دفتر بازار برق گیلان با بیان اینکه سامانه‌های پنل خورشیدی علاوه بر تأمین برق، منبع درآمدی برای خانوارها نیز ایجاد می‌کنند، گفت: دولت تضمین خرید انرژی تولیدی این خانوارها را از طریق شبکه

برق دارد و این درآمد به صورت ماهانه پرداخت می‌شود. با افزایش نرخ انرژی، درآمد این افراد نیز متناسب افزایش می‌یابد.

جوهری با اشاره به ظرفیت بالقوه گیلان در حوزه انرژی خورشیدی اضافه کرد: اگر همه ادارات دولتی و دستگاه‌های مشمول ماده ۵، ۲۰ درصد انرژی خود را از منابع تجدیدپذیر تأمین کنند، حدود ۸ مگاوات به ظرفیت تولید اضافه می‌شود. علاوه بر این، اگر حداقل ۱۰ درصد از مشترکان خانگی استان که حدود ۶۰۰ هزار مشترک هستند، اقدام به نصب سامانه‌های خورشیدی ۵ کیلوواتی کنند، ظرفیت عظیمی برای تولید برق فراهم خواهد شد.

به گفته وی، در حال حاضر، هزینه نصب سامانه‌های خورشیدی خانگی بین ۴۰ تا ۴۵ میلیون تومان متغیر است و با افزایش ظرفیت و استفاده از اینورترهای پیشرفته، هزینه‌ها کاهش می‌یابد. زمان برگشت سرمایه در گیلان بین ۴ تا ۴.۵ سال است که نسبت به سایر استان‌ها معقول و جذاب است.

مدیر دفتر بازار برق گیلان با اشاره به مقرون به صرفه بودن استفاده از اینورترهای هیبریدی بیان کرد: این فناوری امکان استفاده از انرژی خورشیدی حتی در زمان قطع برق شبکه را فراهم می‌کند. همچنین سامانه‌های جدید دوطرفه هستند و علاوه بر دریافت نور مستقیم، نور بازتابی را نیز جذب می‌کنند که راندمان تولید را افزایش می‌دهد.

جوهری با بیان اینکه دستورالعمل استفاده از اینورترهای هیبریدی اخیراً به دستگاه‌های دولتی و خانواده‌های شهری و تجاری ابلاغ شده است، گفت: این سامانه‌ها می‌توانند انرژی تولید شده را به شبکه تزریق کنند و هم‌زمان به عنوان منبع برق اضطراری در مواقع قطعی شبکه مورد استفاده قرار گیرند.

جوهری با اشاره به مناطق هدف برای توسعه انرژی خورشیدی در گیلان بیان کرد: به طور کلی، لوشان و ارتفاعات جنوبی استان بهترین مکان‌ها برای نصب پنل‌های خورشیدی هستند. سایر مناطق جلگه‌ای و شهری محدودیت‌هایی دارند، اما با فناوری‌های جدید و سامانه‌های پرتابل، امکان استفاده از انرژی خورشیدی افزایش یافته است. کمیته امداد و بهزیستی نیز آماده‌اند افراد بیشتری را برای بهره‌مندی از این طرح‌ها معرفی کنند.

به گفته وی، در سال گذشته حدود ۵۳ دستگاه پرتابل خورشیدی به

خانوارهای کوچ‌نشین و عشایری رودبار و رضوانشهر اختصاص یافته و به صورت موفق مورد استفاده قرار گرفته است.

مدیر دفتر بازار برق گیلان با تأکید بر اینکه ظرفیت فعلی استان محدود است، گفت: با توجه به استقبال مردم، اقدامات دولت و همکاری بخش خصوصی، امکان افزایش ظرفیت تولید برق خورشیدی در استان وجود دارد. در صورت اجرای کامل برنامه‌های قانونی و مشارکت فعال مردم، می‌توان ظرفیت تولید برق از این منبع را به چندین مگاوات افزایش داد و سهم قابل توجهی از انرژی مصرفی استان را از منابع تجدیدپذیر تأمین کرد.

جوهری همچنین تصریح کرد: توسعه انرژی خورشیدی در گیلان نه تنها به کاهش هزینه‌ها و تأمین انرژی پاک کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان یک منبع درآمد برای اقشار کم‌درآمد و خانوارهای روستایی نیز عمل کند. با برنامه‌ریزی دقیق و حمایت دولت و بخش خصوصی، آینده انرژی خورشیدی در گیلان روشن و امیدوارکننده است.

هوش مصنوعی تیغ دولبه‌ای در دست بشر

ره‌نگاران/ هوش مصنوعی، همانند هر فناوری بزرگ دیگر، پدیده‌ای خنثی نیست؛ بلکه ابزاری است که به دست بشر می‌تواند به خیر یا شر تبدیل شود؛ این فناوری توانایی دارد هم‌زمان به بزرگ‌ترین تهدید و بزرگ‌ترین فرصت تاریخ بشر بدل شود.

به گزارش [بایگ‌گاه اطلاع‌رسانی ره‌نگاران-بهرام قربانپور](#): در دنیای پرشتاب امروز، کمتر واژه‌ای به اندازه «هوش مصنوعی» توانسته توجه جامعه جهانی را به خود جلب کند. این فناوری نوین نه تنها ساختارهای علمی و صنعتی را دگرگون ساخته بلکه به موضوعی سرنوشت‌ساز در حوزه امنیت، اقتصاد، فرهنگ و حتی روابط اجتماعی تبدیل شده است.

کارشناسان معتقدند هوش مصنوعی ماهیتاً یک تهدید ذاتی نیست، بلکه

بستگی به نحوه استفاده از آن دارد؛ می‌تواند زندگی بشر را آسان‌تر و کارآمدتر کند یا در صورت بهره‌برداری نادرست، حریم خصوصی و امنیت ملی کشورها را با چالش‌های جدی مواجه سازد.

محمد سماک، کارشناس ارتباطات و فناوری، در گفتگو با خبرنگار «ره‌نگاران» با اشاره پیشرفت روزافزون تکنولوژی در عرصه‌های مختلف اظهار کرد: هوش مصنوعی به خودی خود تهدید محسوب نمی‌شود. مهم این است که چگونه از آن استفاده شود. این فناوری می‌تواند ابزاری برای توسعه، پیشرفت و عدالت باشد یا به عاملی برای تبعیض، بحران و حتی جنگ تبدیل شود.

جنگ‌های بدون سرباز؛ کابوس دنیای فردا

یکی از مهم‌ترین تهدیداتی که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته، بهره‌برداری نظامی از هوش مصنوعی است. دولت‌های سلطه‌گر از این فناوری برای طراحی تسلیحات پیشرفته استفاده می‌کنند؛ سلاح‌هایی که بدون دخالت نیروی انسانی، قادرند اهداف را از کیلومترها فاصله شناسایی و نابود کنند. نمونه بارز آن، به‌کارگیری ریزپرنده‌ها و پهپادهای هوشمند در عملیات‌های ترور و نظامی است.

این نوع جنگ‌افزارها نه تنها صحنه نبرد را متحول کرده، بلکه خطر بروز بحران‌های غیرقابل کنترل را افزایش می‌دهد. درگیری‌هایی که بدون حضور انسان آغاز و هدایت شوند، می‌توانند مرز میان تصمیمات عقلانی و ماشینی را از بین ببرند و فجایع انسانی گسترده‌ای به بار آورند.

تهدیدات سایبری و دستکاری افکار عمومی

اما تهدیدات هوش مصنوعی تنها محدود به میدان‌های جنگ نیست. در فضای مجازی نیز این فناوری می‌تواند بستری برای ارتکاب جرایم سایبری و کلاهبرداری‌های گسترده باشد. جعل اسناد، هویت‌های مجازی و حتی رسیدهای بانکی از طریق الگوریتم‌های هوشمند امری رایج شده است.

هوش مصنوعی؛ ناجی سلامت و محیط زیست

این کارشناس حوزه ارتباطات و فناوری معتقد است: برخی دولت‌ها و گروه‌های ذی‌نفوذ با استفاده از هوش مصنوعی قادر به تولید و انتشار اخبار جعلی هستند. این اقدام نه تنها امنیت روانی جامعه را تهدید

می‌کند، بلکه می‌تواند در مقیاس کلان، نتایج انتخابات و روندهای سیاسی را تغییر دهد.»

به گفته او، حملات سایبری، ترویج تعصبات قومی و نژادی و گسترش انحرافات اخلاقی از دیگر مخاطراتی است که ریشه در سوءاستفاده از فناوری‌های هوشمند دارد.

آنطور که سماک گفته؛ در مقابل، چهره مثبت هوش مصنوعی نیز کمتر از تهدیدات آن نیست. این فناوری با توان پردازش عظیم داده‌ها و الگوریتم‌های پیچیده، می‌تواند در خدمت سلامت بشر قرار گیرد. از جمله کارکردهای حیاتی آن، تشخیص زودهنگام و دقیق‌تر بیماری‌ها مانند سرطان از طریق تحلیل تصاویر پزشکی و کمک به کشف داروهای جدید است.

وی با بیان اینکه در حوزه محیط زیست نیز نقش هوش مصنوعی پررنگ است، افزود: تحلیل داده‌های اقلیمی، پیش‌بینی تغییرات آب‌وهوایی، مدیریت منابع طبیعی و طراحی راهکارهای نوآورانه برای کاهش آلودگی، تنها بخشی از ظرفیت‌های این فناوری برای مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی است. به باور کارشناسان، اگر از هوش مصنوعی در این عرصه‌ها به‌درستی استفاده شود، می‌تواند ناجی کره زمین در برابر تهدیدات اقلیمی باشد.

ضرورت قانون‌گذاری جهانی و اخلاق‌محوری

این کارشناس حوزه فناوری و اطلاعات با اشاره به ضرورت قانون‌گذاری جهانی و اخلاق‌محوری در حوزه هوش مصنوعی بیان کرد: با وجود این فرصت‌ها و تهدیدات، موضوع مهمی که امروز بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود، ضرورت تدوین چارچوب‌های قانونی و اخلاقی در سطح بین‌الملل است. جامعه جهانی باید به توافقی جامع درخصوص استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی دست یابد.

سماک با بیان اینکه هر فناوری، به‌ویژه فناوری‌های نوظهور، نیازمند مدیریت و قانون‌گذاری است، گفت: در غیر این صورت، خطر آن وجود دارد که به ابزاری برای سلطه، تبعیض و بحران‌های اجتماعی تبدیل شود. وی تأکید می‌کند که دولت‌ها باید در سیاست‌گذاری‌های کلان، آموزش سواد دیجیتال و افزایش آگاهی عمومی نسبت به کارکردها و تهدیدات هوش مصنوعی را جدی بگیرند.

سواد دیجیتال؛ سپر جوامع در برابر مخاطرات

با همه این تحلیل‌ها، کارشناسان بر این باورند که ارتقای سطح سواد دیجیتال جامعه، می‌تواند به‌عنوان یکی از مؤثرترین راهکارها برای کاهش خطرات ناشی از هوش مصنوعی عمل کند. اگر شهروندان بدانند چگونه از این فناوری بهره ببرند و چگونه در برابر تهدیدات آن از خود محافظت کنند، زمینه سوءاستفاده به شکل چشمگیری کاهش خواهد یافت.

هوش مصنوعی، همانند هر فناوری بزرگ دیگر، پدیده‌ای خنثی نیست؛ بلکه ابزاری است که به دست بشر می‌تواند به خیر یا شر تبدیل شود. این فناوری توانایی دارد هم‌زمان به بزرگ‌ترین تهدید و بزرگ‌ترین فرصت تاریخ بشر بدل شود. از یکسو می‌تواند در خدمت سلامت، محیط زیست و رفاه اجتماعی قرار گیرد و از سوی دیگر ابزاری برای جنگ، کلاهبرداری و بحران‌های اخلاقی باشد.

آینده هوش مصنوعی نه در ذات آن، بلکه در تصمیم‌های امروز سیاست‌گذاران، دولت‌ها و کاربران عادی رقم خواهد خورد. اگر مسیر اخلاق، قانون و آگاهی انتخاب شود، نتیجه‌ای جز رفاه و توسعه نخواهد داشت؛ اما در غیر این صورت، جهان با چالش‌هایی روبه‌رو خواهد شد که شاید مهار آنها از توان بشر خارج باشد.

رسانه فردا در دستان هوش مصنوعی

ره‌نگاران/ آینده رسانه بدون هوش مصنوعی قابل تصور نیست؛ اما تضمین پایداری و سلامت آن در گروی مدیریت هوشمندانه، اخلاقمدار و مسئولانه این فناوری خواهد بود.

به گزارش [بایگاہ اطلاع‌رسانی ره‌نگاران](#)؛ بهرام قربانپور، فعال رسانه‌ای در یادداشتی نوشت؛ تحولات پرشتاب فناوری در دهه اخیر، عرصه رسانه را بیش از هر زمان دیگری تحت‌تأثیر قرار داده است. در میان این تحولات، هوش مصنوعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین فناوری‌های روز، نقشی سرنوشت‌ساز در شکل‌دهی به آینده رسانه‌ها ایفا می‌کند. رسانه به‌عنوان ابزار اصلی انتقال پیام،

شکلدهی افکار عمومی و مدیریت جریان اطلاعات، امروز با بهره‌گیری از قابلیت‌های هوش مصنوعی وارد مرحله‌ای نوین از حیات خود شده است؛ مرحله‌ای که مرز میان تولیدکننده و مصرف‌کننده محتوا را کمرنگ کرده و رسانه را از حالت سنتی به اکوسیستمی هوشمند و تعاملی بدل ساخته است.

از مهم‌ترین کارکردهای هوش مصنوعی در عرصه رسانه می‌توان به تولید محتوای خودکار اشاره کرد. الگوریتم‌های پیشرفته قادرند متون خبری، گزارش‌ها و حتی تحلیل‌های اولیه را در زمانی بسیار کوتاه تولید کنند. این قابلیت اگرچه نگرانی‌هایی درباره کاهش نقش روزنامه‌نگاران سنتی ایجاد کرده است، اما در عین حال می‌تواند فرصتی برای تمرکز خبرنگاران بر تحلیل‌های عمیق‌تر، گزارش‌های میدانی و روایت‌های انسانی باشد. به بیان دیگر، هوش مصنوعی جایگزین خبرنگار نمی‌شود بلکه ابزار کمکی قدرتمندی برای ارتقای کیفیت و سرعت در رسانه‌ها به‌شمار می‌رود.

یکی دیگر از ابعاد مهم حضور هوش مصنوعی در رسانه، شخصی‌سازی محتوا است. امروزه رسانه‌ها به کمک الگوریتم‌های یادگیری ماشین قادرند سلیق، علایق و نیازهای کاربران را شناسایی کرده و متناسب با آن، محتوا را پیشنهاد دهند. این امر اگرچه تجربه‌ای اختصاصی و جذاب برای مخاطب فراهم می‌آورد، اما در عین حال خطر ایجاد حباب‌های اطلاعاتی را نیز افزایش می‌دهد؛ به این معنا که کاربران تنها در معرض دیدگاه‌هایی قرار می‌گیرند که با عقایدشان هماهنگ است و از مواجهه با تنوع فکری محروم می‌شوند. این چالش، رسانه‌ها را ملزم می‌سازد که در کنار استفاده از هوش مصنوعی، راهکارهایی برای حفظ تنوع و تعادل اطلاعاتی بیابند.

افزون بر این، هوش مصنوعی توانسته در راستی‌آزمایی اخبار و مقابله با پدیده اخبار جعلی (Fake News) نقشی کلیدی ایفا کند. ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند با تحلیل سریع داده‌ها، تصاویر و ویدئوها، اصالت یا جعلی بودن آن‌ها را بررسی کرده و به رسانه‌ها و کاربران در تشخیص صحت اخبار یاری رسانند. این ظرفیت، به‌ویژه در دوران گسترش شبکه‌های اجتماعی و سرعت بالای انتشار اطلاعات، اهمیتی دوچندان دارد.

از سوی دیگر، استفاده از فناوری‌های نوین مانند تولید تصویر و ویدئو با هوش مصنوعی فرصت‌ها و تهدیدهایی را برای رسانه‌ها ایجاد کرده است. این فناوری می‌تواند در تولید محتوای آموزشی، سرگرمی و

تبلیغات نقش مثبت ایفا کند، اما در عین حال امکان سوءاستفاده و دستکاری افکار عمومی را نیز افزایش می‌دهد. بنابراین، مدیریت اخلاقی و حقوقی این فناوری یکی از الزامات اصلی عصر رسانه است.

اینطور به نظر می‌رسد عصر رسانه در پرتو هوش مصنوعی وارد مرحله‌ای از بازتعریف مأموریت‌ها و نقش‌ها شده است. رسانه‌های موفق آن‌هایی خواهند بود که از این فناوری نه صرفاً به‌عنوان ابزاری برای سرعت‌بخشی، بلکه به‌عنوان وسیله‌ای برای ارتقای کیفیت، اعتمادسازی و ایجاد تجربه‌ای عمیق‌تر برای مخاطب استفاده کنند. آینده رسانه بدون هوش مصنوعی قابل تصور نیست؛ اما تضمین پایداری و سلامت آن در گروی مدیریت هوشمندانه، اخلاق‌مدار و مسئولانه این فناوری خواهد بود.

برتری در جنگ «داده‌ها و اراده‌ها» با جهاد تبیین و سواد رسانه

ره‌نگاران/ در دنیایی که با حجم انبوهی از داده‌ها و اطلاعات سره و ناسره مواجهیم و از سوی دیگر دشمن با رسانه‌های پروپاگاندا، سعی در تسخیر اراده‌ها دارد، تنها راه نجات در این جنگ داده‌ها و اراده‌ها، جهاد تبیین همراه با سواد رسانه است.

به گزارش [پایگاه اطلاع‌رسانی ره‌نگاران-بهرام قربانپور](#): در عصر حاضر، جهان با انفجار اطلاعات مواجه است و هر روز حجم عظیمی از اخبار، تحلیل‌ها و محتوای رسانه‌ای از طریق شبکه‌های اجتماعی، سایت‌ها و رسانه‌های مختلف به مخاطبان منتقل می‌شود. این تحول بزرگ ارتباطی، در عین حال که فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای دسترسی به دانش و آگاهی فراهم کرده است، چالش‌های جدی نیز ایجاد کرده است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، تمایز میان اطلاعات واقعی و جعلی، تحلیل‌های درست و نادرست و پیام‌های هدفمند و تبلیغاتی است. امروزه بسیاری از افراد در مواجهه با اخبار و محتوای رسانه‌ای، به دلیل نبود آگاهی کافی و مهارت‌های تحلیل اطلاعات، ممکن است دچار سردرگمی شوند و حتی به گسترش شایعات و تحریف‌ها کمک کنند.

در چنین شرایطی، دو مفهوم کلیدی و مکمل، یعنی جهاد تبیین و سواد رسانه‌ای اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند. جهاد تبیین به معنای تلاش مستمر و هدفمند برای روشنگری، تبیین حقیقت و مقابله با شایعات و تحریف‌های رسانه‌ای است. این مفهوم، فراتر از اطلاع‌رسانی ساده است و شامل ارائه واقعیت‌ها با صداقت، شفافیت و انصاف، هدایت افکار عمومی به سمت درک درست مسائل و مقابله با جریان‌های تبلیغاتی و تحریف‌کننده است. جهاد تبیین یک مسئولیت اجتماعی و فرهنگی است که نه تنها فعالان رسانه‌ای، بلکه هر فردی در جامعه می‌تواند در آن نقش‌آفرین باشد.

اما انجام مؤثر جهاد تبیین بدون سواد رسانه‌ای تقریباً غیرممکن است. سواد رسانه‌ای توانایی تحلیل، ارزیابی و استفاده درست از رسانه‌ها و محتوای اطلاعاتی است. فردی که دارای سواد رسانه‌ای باشد، قادر است اخبار صحیح را از جعلی تشخیص دهد، پیام‌های هدفمند تبلیغاتی را تحلیل کند و از انتشار اطلاعات نادرست جلوگیری کند. به همین دلیل، جهاد تبیین و سواد رسانه‌ای دو بال مکمل یکدیگرند؛ هر فعالیت روشنگرانه‌ای بدون مهارت تحلیل رسانه‌ای ناقص است و هر مهارت رسانه‌ای بدون هدف روشنگری، ارزش عملی ندارد.

امروز، در شرایطی که دشمنان با استفاده از جنگ رسانه‌ای و روانی تلاش می‌کنند افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهند، آگاهی‌بخشی و روشنگری با استفاده از مهارت‌های سواد رسانه‌ای یک ضرورت ملی و دینی محسوب می‌شود. تولید محتوای صحیح، مقابله با شایعات، آموزش عمومی و تقویت توانایی مردم در تحلیل پیام‌های رسانه‌ای نه تنها جامعه را از آسیب‌های اطلاعات نادرست مصون می‌کند، بلکه زمینه‌ساز پیشرفت فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی می‌شود.

در این گزارش تلاش شده در گفتگو با مجید سمیعی یکی از فعالین رسانه‌ای گیلان به بررسی اهمیت جهاد تبیین و نقش سواد رسانه‌ای در دنیای داده‌ها و جنگ اراده‌ها بپردازیم.

با توجه به شرایط کنونی و حجم بالای اطلاعاتی که مردم روزانه با آن مواجه هستند، اهمیت جهاد تبیین را چگونه می‌بینید؟

واقعیت این است که در عصر امروز، جهاد تبیین یکی از ضرورت‌های حیاتی فرهنگی و اجتماعی است. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی ابزارهایی قدرتمند برای انتشار اطلاعات‌اند و اگر این ابزارها درست مدیریت نشوند، شایعات و اطلاعات نادرست می‌توانند با سرعت زیاد

منتشر شوند. جهاد تبیین در این فضا به معنای روشنگری دقیق، ارائه واقعیت‌ها و هدایت افکار عمومی به سمت درک صحیح مسائل است. این مفهوم تنها اطلاع‌رسانی نیست؛ بلکه یک مسئولیت اجتماعی و فرهنگی است که هر فعال رسانه‌ای و هر شهروند آگاه می‌تواند در آن نقش داشته باشد.

به نظر شما سواد رسانه‌ای چه نقشی در جهاد تبیین دارد

سواد رسانه‌ای، ستون اصلی جهاد تبیین است. بدون توانایی تحلیل و ارزیابی درست اطلاعات، حتی نیت درست هم می‌تواند باعث انتشار اخبار نادرست شود. سواد رسانه‌ای یعنی توانایی تشخیص حقایق از جعلیات، تحلیل پیام‌های تبلیغاتی و هدفمند و استفاده مسئولانه از رسانه‌ها. یک فرد با سواد رسانه‌ای می‌تواند محتوای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها را بررسی کند و تنها اطلاعات معتبر و مفید را به دیگران منتقل کند. در واقع، جهاد تبیین زمانی مؤثر است که با مهارت‌های سواد رسانه‌ای همراه باشد.

چه نمونه‌های عملی از این ارتباط می‌توانید مثال بزنید؟

در عمل، این ارتباط به شکل‌های مختلفی نمود پیدا می‌کند. برای مثال، مقابله با شایعات و اخبار جعلی در شبکه‌های اجتماعی، تولید محتوای آموزشی و اطلاع‌رسانی دقیق درباره مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، و همچنین آگاه‌سازی عمومی برای تحلیل پیام‌ها و پرهیز از گمراهی.

هر فردی که محتوای درست و مستند منتشر کند، به نوعی در مسیر جهاد تبیین فعالیت کرده و نقش خود را در حفظ سلامت اطلاع‌رسانی ایفا کرده است.

آیا می‌توان گفت جامعه‌ای که سواد رسانه‌ای بالایی دارد، در برابر جنگ نرم مقاوم است؟

قطعاً. جامعه‌ای که افراد آن مهارت‌های تحلیل رسانه‌ای را فرا گرفته باشند و فعالانه در مسیر جهاد تبیین حضور داشته باشند، نه تنها از تهاجمات رسانه‌ای و روانی دشمنان مصون می‌ماند، بلکه قادر است از ظرفیت‌های اطلاع‌رسانی برای پیشرفت فرهنگی و اجتماعی استفاده کند. مردم در چنین جامعه‌ای تصمیمات آگاهانه می‌گیرند و واقعیت‌ها را به دیگران منتقل می‌کنند، بدون آن که دچار گمراهی یا شایعه‌پراکنی شوند.

پیام شما به فعالان رسانه‌ای و مردم چیست؟

جهاد تبیین و سواد رسانه‌ای وظیفه‌ای ملی و دینی است. آموزش و تقویت مهارت‌های تحلیل محتوا، افزایش آگاهی عمومی درباره منابع معتبر و شیوه‌های تشخیص اخبار صحیح، سرمایه‌ای فرهنگی برای جامعه محسوب می‌شود. هر تلاش رسانه‌ای یا فرهنگی بدون درک صحیح این دو مفهوم ناقص است و نمی‌تواند اثرگذاری واقعی داشته باشد. بنابراین، همه ما باید با مسئولیت و دقت در مسیر روشنگری حرکت کنیم و از ابزار رسانه‌ای برای نشر حقایق بهره ببریم

تراژدی زیست محیطی در جنوب گیلان؛ وقتی معادن «جوبن» را می‌بلعد

ره نگاران/ با توجه به دغدغه اهالی «جوبن» نسبت به وجود معادن در این روستا مطلبی مستولان و متولیان امر در کنار توجه به منافع بهره‌بردار معدنی، به مطالبات، حقوق و حق حیات بومیان نیز توجه کنند.

به گزارش [پایگاه اطلاع رسانی ره نگاران](#)؛ به نقل از مهر- بهرام قربانپور؛ از جاده قدیم امامزاده هاشم به رستم‌آباد با گذر از چاله و چوله‌های مرگبار مسیر، خودم را به «جوبن» بزرگترین روستای بخش مرکزی شهرستان رودبار رساندم، روستایی که حالا در محاصره معادن قرار گرفته است.

بازار جوبن پیاده شدم، بازاری که روزی (قبل از احداث آزادراه رشت - قزوین) برای خود جایگاه ویژه‌ای در داد و ستد داشت و اکنون از یکی از بازارهای فعال روستایی به شمار می‌رود.

جوبن با بیش از ۲ هزار نفر جمعیت در جنوبی‌ترین نقطه رستم‌آباد بخش مرکزی رودبار قرار دارد. اهالی این روستا بیشتر کشاورز و باغدار هستند و زیتون و برنج ۲ محصول استراتژیک این منطقه است که اگرچه

به دلیل فعالیت غیر متعارف معادن، درختان زیتون این منطقه به جای آب و هوای پاک، ایستاده «خاک» میخورند.

به اتفاق اهالی و مردمان خونگرم جوبن به داخل روستا و سپس به محل فعالیت معادن رفتیم، معادنی که نه تنها در همسایگی دیوار به دیوار روستا فعالیت می‌کردند بلکه به داخل حریم روستا هم تجاوز کرده بودند.

دره ۱۰۰ متری معدنی در جوبن

هر چه به محدوده فعالیت معدن نزدیک تر می‌شدیم عمق «فاجعه» ملموس‌تر می‌شد، از بالا به پایین محدوده فعالیت معدن که خیره می‌شوی باید حواست جمع باشد که ناگاه به دره ۱۰۰ متری سقوط نکنی، دره‌ای که حاصل سال‌ها برداشت بی‌رویه معادن ایجاد شده و همانند مار افعی دارد روستا را می‌بلعد.



انتقاد از تمدید ۱۰ ساله پروانه فعالیت معدن

«مازیار حاج‌زاده» دهیار روستای جوبن با بیان اینکه این روستا در محاصر «معادن» است، اظهار کرد: پیشروی برداشت معادن در جوبن به

باغات و منازل مسکونی اهالی رسیده تا جایی که دیوار مرزی معدن تا باغ اهالی کمتر از ۲۰۰ است.

وی با انتقاد از تمدید ۱۰ ساله پروانه فعالیت معدن در جوبن افزود: پروانه فعالیت و برداشت معدن بدون در نظر گرفتن بافت مسکونی و محل اجرای طرح نهضت ملی مسکن صادر شده است و اگر برداشت معدن ۱۰ سال دیگر هم ادامه داشته باشد باغات و منازل مردم هم زیر تیغ ماشین آلات معدنی خواهد رفت.

پروانه برداشت معدن در اطراف جوبن در حالی، ۱۰ سال دیگر تمدید شده است که نه تنها فاصله مرزی و قانونی محدوده معدنی تا باغات و بافت مسکونی روستا رعایت نشده بلکه طبق ماده ۲۲ قانون معادن، بهره‌بردار معدن می‌تواند حتی باغات و بافت مسکونی و مستثنیات روستا را هم برداشت کند.

پمپاژ خاک به دل روستا

دهیار جوبن با بیان اینکه ماجرای معادن در این روستا آتش زیر خاکستر است، گفت: برداشت معدن در روستای جوبن غیرمترعارف بوده و توسعه و حیات اجتماعی روستا را زیر سوال برده است.

آنطور که حاجزاده گفته؛ بهره‌بردار معدن در جوبن برداشت را در ارتفاع و سطح رعایت نکرده و ارتفاع برداشت به ۱۰۰ متر می‌رسد و این مهم روستانشینان جوبن را نگران کرده است.

وی با بیان اینکه باد گرد و غبار حاصل از برداشت مواد معدنی را به داخل روستا پمپاژ می‌کند، افزود: دیواره مرزی محدوده معدن و روستا جلوی پمپاژ خاک را می‌گیرد که از این دیواره دیگر چیزی باقی نمانده است.

اشتغال‌زایی به چه قیمتی!

دهیار جوبن با اشاره به اینکه محدوده معدنی در گذشته محل کشاورزی اهالی بوده است، گفت: معادن نه تنها آرامش کشاورزی روستا را نابود کردند بلکه امروز دنبال تخریب باغات و منازل مسکونی مردم جوبن هستند.

حاجزاده با بیان اینکه منافع روستاییان زیر تیغ معادن رفته است، اضافه کرد: معادن جوبن به بهانه تولید و اشتغال‌زایی تمام علائم حیاتی روستا را نابود کردند و می‌گویند؛ اشتغال‌زایی

می‌کنیم اما اشتغال‌زایی به چه قیمتی!



وی با بیان اینکه شهرستان رودبار هیچ اختیاری در حوزه معادن ندارد، افزود: بارها مشکلات جوبن را به مسئولان شهرستان گفتیم از آنجایی که شهرستان هیچ دخالت و اختیاری در حوزه معادن ندارد نمی‌تواند گره این مشکلات را باز کند.

با وجود اینکه بیش از ۲۰ مرغداری و چندین معدن در روستای جوبن فعالیت می‌کنند اما مردم این روستا با تحمل مشکلات زیست محیطی، صبورانه از تولید حمایت می‌کنند، اما تمدید مجدد ۱۰ ساله پروانه برداشت به یک معدن که به حد قانونی و بافت مسکونی روستا تعدی کرده، ظلمی نابخشودنی در حق مردمان این منطقه است.

خیمه خاک بر پیکره بی جان جوبن

«کاییر انصاری» عضو شورای اسلامی روستای جوبن هم در ادامه گفت: در طول این سال‌ها که در این روستا مسئولیت دارم در مقابل مطالبات مردمی در خصوص چالش‌های معادن هیچ پاسخی ندارم بدهم.

به گفته وی، کارشناسان صمت برای تمدید دوباره برداشت معدن

در جوبن، این منطقه را خالی از سکنه اعلام کردند و این در حالی است در همین محدوده فعالیت معدن بیش از ۲۰ خانوار ساکن هستند و باغات اهالی با معدن کمتر از ۲۰۰ متر فاصله دارد.

آنطور که عضو شورای اسلامی روستای جوبن گفته؛ برای صدور مجوز فعالیت معدنی در روستا، هیچ استعلامی از مسئولین محلی گرفته نمی‌شود.

انصاری با اشاره به گرد و خاک ناشی از فعالیت معدن در جوبن اضافه کرد: خاک بر پیکره بی جان جوبن خیمه انداخته و تمام باغات و درختان زیتون به دلیل خاک خوری در معرض نابودی هستند.

وی با اشاره به خطر نابودی روستای جوبن به واسطه فعالیت غیرمعارف معادن افزود: استمرار روند برداشت معدن در جوبن، موجب خروج اهالی از روستا می‌شود که باید جلوی فعالیت این معدن گرفته شود.

ادامه فعالیت معدن موجب نابودی روستا می‌شود

«وحید کاظمی» یکی از اهالی جوبن هم با اشاره به فعالیت غیرمعارف و غیرقانونی معادن در این روستا اظهار کرد: با شکایت اهالی در سال ۹۷، فعالیت معدن در جوبن به مدت ۶ سال متوقف شد اما در سال جاری دوباره فعالیت این معدن از سر گرفته شد.

وی با اشاره به تمدید ۱۰ ساله برداشت معدن در جوبن افزود: اهالی از بهره‌بردار برای برداشت غیرمعارف معدن در روستا شکایت کردند ولی تاکنون نتیجه‌ای نگرفتند.

فعالیت معدن متوقف شود

این جوان جوبنی با اشاره چالش زیست‌محیطی ناشی از فعالیت معدن در این روستا اضافه کرد: تمدید ۱۰ ساله برداشت معدن در جوبن، بدون رعایت الزامات قانونی و مسائل زیست‌محیطی صورت گرفته است.

کاظمی با اشاره به اینکه ادامه فعالیت معدن موجب نابودی روستا می‌شود، گفت: طبق قانون فعالیت معدن با بافت مسکونی و باغی باید بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ متر باشد، اما فاصله این معدن به ۲۰۰ متر هم می‌رسد.

وی با بیان اینکه توقف برداشت معدن مطالبه اهالی جوبن است،

افزود: تا تعیین تکلیف مسئله شکایات اهالی جوبن از معدن، انتظار
میرود فعالیت معدن تا اطلاع ثانوی متوقف شود.



به بهانه اشتغال، جوبن را نابود نکنید

«جمال حسن‌پور» یکی از معتمدین جوبن هم که از مسئولان و شرایط
موجود در روستا گله‌مند بود، می‌گوید: صدور پروانه فعالیت و برداشت
معدن در روستا بدون توجه به منافع بومیان منطقه صورت می‌گیرد.

وی با انتقاد از تعدی معادن به دل روستا افزود: به بهانه اشتغال
برای ۴ نفر قرار نیست یک روستا نابود شود!

این پیرمرد جوبنی با بیان اینکه نسبت به تمدید پروانه فعالیت
معدن در این روستا تجدید نظر شود، گفت: در چنین شرایط اقتصادی و
معیشتی نباید برای مردم به ویژه روستاییان نارضایتی ایجاد کنند.

حسن‌پور با بیان اینکه احترام به قانون یک تکلیف است، گفت: اگر
مسئولان به داد ما نرسند ناچار هستیم خودمان اقدام کنیم.

جلوی حذف نام «جوبن» را بگیرید

در پایین دست نزدیکی همین معدن در لابلای سر و صدای ماشین‌آلات سنگین

و گرد و خاک، صدای بازی بچه‌ها هم از داخل حیاط مدرسه می‌رسید، بچه‌هایی که با هزار امید و آرزو در کلاس درس حاضر می‌شوند تا در آینده نزدیک برای روستایشان منشأ اثر باشند، البته اگر تا آن زمان روستایی به نام «جوبن» وجود داشته باشد.

این‌طور که دستگاه آلات برداشت معادن از چپ و راست جوبن، تیغه به خاک و دل این روستا می‌زنند، تا سال‌های نه چندان دور دیگر نامی از «جوبن» باقی نخواهند ماند.

انتظار می‌رود مسئولان و متولیان امر در کنار توجه به منافع بهره‌بردار معدنی، به مطالبات، حقوق و حق حیات روستاییان و بومیان منطقه نیز توجه کنند و تا دیر نشده اقدام عاجلی برای توقف فعالیت و برداشت معدن در جوبن صورت دهند.